

ولادت امام موسی کاظم (ع)

۹ آذرماه

نام: موسی (امام هفتم ما شیعیان)
لقاب: کاظم، صابر، صالح، امین و عبدالصالح
کنیه: ابوالحسن، ابوابراهیم، ابوالحسن اول، ابوالحسن ماضی، ابوعلی و ابواسماعیل
پدر: جعفر صادق (ع)
مادر: حمیده خاتون
مدت عمر: ۵۴ سال
مدت امامت: ۳۵ سال
مرقد مطهر: کاظمین، عراق

۱۲۸ هـ ق

تولد در شهر «بواء» (بین مکه و مدینه) در هفتم ماه صفر، در زمان حکومت مروان بن محمد اموی، معروف به «مروان حمار».

۱۳۲ هـ ق

مرگ مروان حمار و جانشینی ابوالعباس سفاح عباسی.

۱۳۶ هـ ق

مرگ سفاح و به حکومت رسیدن منصور عباسی.

۱۴۸ هـ ق

شهادت امام جعفر صادق (ع)، پدر ارجمند امام موسی کاظم (ع)، به دست منصور دوانیقی. تولد امام رضا (ع) در ۱۱ ذیقعدۀ همان سال.

۱۵۸ هـ ق

مرگ منصور دوانیقی و به خلافت رسیدن ابو عبدالله مهدی عباسی، فرزند منصور.

۱۶۹ هـ ق

مرگ مهدی عباسی و خلافت پسرش هارون الرشید.

۱۷۹ هـ ق

دستگیری حضرت در مدینه و فرستادن ایشان به زندان در بصره، به دستور هارون الرشید.

۱۸۳ هـ ق

شهادت در ۲۵ رجب در سن ۵۵ سالگی، در زندان به وسیله زهر. به دستور هارون الرشید.

امام موسی کاظم (ع) می فرماید: «از تکبر بپرهیز؛ زیرا کسی که به اندازه دانه‌ای در دلش تکبر و خود بزرگ بینی باشد، وارد بهشت نمی شود» (تحف العقول: ۳۹۶).

روز چهارم

از بدرود اشکبار کاروان، چهل غروب گذشته است و قصه‌های سوخته به چشم‌های فرات می‌ریزد. چهل روز پیش، حوالی اندوه، نیزارها ضجه زدند و مثنوی‌ها با گل‌های شیون، سرتاسر نینوا را پوشاندند. هرگز نمی‌توان به اربعین نگاه کرد و آن همه نغمه‌های خاکستری را به یاد نیاورد. امروز به جای همه یتیمان قافله، اربعین سخن می‌گوید. اربعین، با بوی خون در مشام و آبله در پا، رسیده است تا بگوید همه اتفاقات سرخ، در راستای شکیبایی زینب (س) بود. اربعین شعرهایی با کلماتی خون‌رنگ در سوگ لاله‌ها آورده است تا بگوید دل بستگی‌های زینب (س) در آن دشت بلاخیز، یکی پس از دیگری پریز شدند. اربعین با پیراهنی از گریه در فرات اشک غسل کرده است و اینک، در کنار نام حسین (ع) و جابر بن عبدالله نشسته است و به یاد خون‌های عاشورا مقتل می‌خواند.

محمد کاظم بدرالدین

۲۲ آذرماه

شهادت آیت الله مدرس

۱۰ آذرماه

روز مجلس

برگردد و خود با سواران رفت. بعد از رفتن مدرس، مردم در اصفهان شورش کردند و بازار تعطیل شد. صمصام الدوله که این وضع را دید، به ناچار مدرس را به اصفهان بازگرداند و خود با کالسکه مخصوص در دروازه شهر به استقبال مدرس رفت.

۱۲۸۹ هـ ق: وارد مجلس دوم شد و به عنوان یکی از چهره‌های سیاسی شناخته شد.

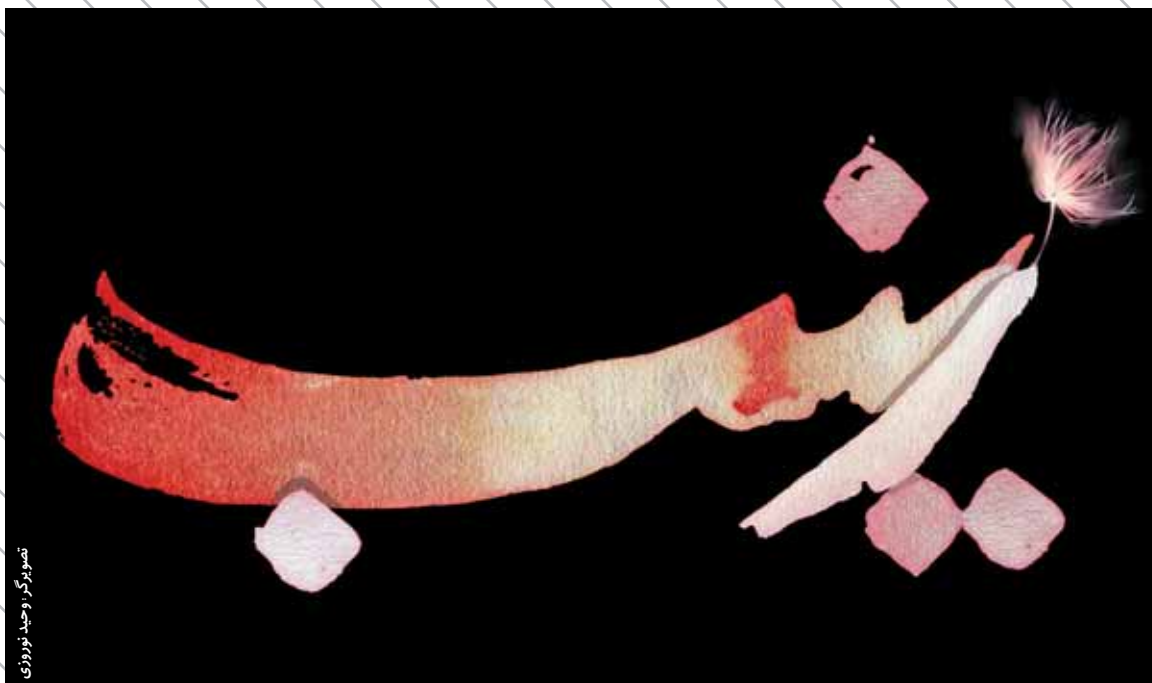
۱۳۰۷ هـ ق: به دستور رضاخان به دامغان، مشهد و سپس خواف تبعید شد.

۱۳۱۶ هـ ق: از خواف به

کاشمر منتقل شد و در دهم آذر همان سال به دستور رضاخان به شهادت رسید.



می‌گویند زمانی که مدرس در اصفهان بود، اصفهان حاکمی داشت به نام صمصام الدوله که نفس مردم را گرفته بود. مدرس هم که از آنچه بر سر مردم می‌آمد به تنگ آمده بود، هر جا می‌نشست، علیه او حرف می‌زد. بالاخره یک روز بعد از ظهر ۱۰ سوار راه مدرس را بستند و گفتند: «حاکم حکم به تبعید شما داده. لازم است الساعه به منزل بروید و وسایلتان را بردارید و همراه ما از شهر خارج شوید.» مدرس خم شد نعلینش را درآورد زد زیر بغلش و گفت: «من سید یک لا قبا وسیله‌ای ندارم که بردارم. هم الان برویم!» و پای برهنه به دنبال آن‌ها راه افتاد. اهالی کوچه و بازار هم با دیدن این وضع دنبال او راه افتادند، به طوری که وقتی به خروجی شهر رسیدند، نزدیک به هزار نفر جمع شده بودند. مدرس از آن‌ها خواست



تصویرگر وحید نوروزی

رحلت پیامبر اکرم (ص) و امام حسن مجتبی (ع)

۳۰ آذرماه

محمد، دینی ماندگار

یک سال از واقعه حجة الوداع و غدیر خم گذشت. پیامبر (ص) بیمار شد. حال آن حضرت روز به روز بدتر شد. کار به جایی رسید که حضرت محمد (ص) وصیت خود را کرد و از علی (ع) خواست مأمور غسل کردن و کفن و دفن او باشد. چون زمان رحلتش رسید، فرمود: «حبیب مرا به نزدم بیاورید.» به سراغ علی (ع) رفتند. او را بر بالین پیامبر (ص) آوردند. رسول اکرم (ص) بدون آنکه کسی بشنود، در گوش علی (ع) زمزمه‌ای کرد و سپس از حال رفت. وقتی دوباره چشم گشود، خطاب به حضرت علی (ع) فرمود: «ای علی (ع)! سرم را روی زانویت بگذار که امر خداوند فرا رسید و چون جان دادم، مرا رو به قبله گردان و اول تو بر من نماز بخوان. تا زمانی که پیکرم را در خاک نگذاشته‌ای، از من جدا نشو!»

به این ترتیب، آخرین فرستاده خداوند چشم از جهان فروبست و نزد پروردگارش شتافت (فردی، ۱۳۸۲). دیگر خانه رسول خدا (ص) بوی غصه می‌داد. فاطمه (س) بی‌امان می‌گریست. علی (ع) در حالی که قطره‌های اشک از چشم‌هایش سرازیر بود، بی‌وقفه در پی اجرای وصیت پیامبر (ص) بود. یاران پیامبر (ص) هر کدام گوشه‌ای نشسته بودند و می‌گریستند.

۳۹ سال از این واقعه تلخ گذشت. حال دیگر حسن بن علی (ع) عهده‌دار مقام امامت شده بود. بی‌گمان همان‌گونه که پیامبر (ص) گفته بود حسن شبیه‌ترین فرد به خود او بود و معاویه در پی فرصتی برای از میان برداشتن امام حسن (ع) بود تا مقدمات جانشینی پسر خودش، یزید، را فراهم کند. این کار میسر نبود، مگر با فریب جده، همسر امام حسن (ع). امام حسن (ع) مسموم شد و بیمار. این بیماری ۴۰ روز طول کشید تا اینکه امام حسن (ع) در روز بیست و هشتم ماه صفر به شهادت رسید.

منبع

فردی، امیرحسین. مدرسه. تهران. ۱۳۸۲.

روز نیروی دریایی

۷ آذرماه

پیکان مروارید خلیج فارس

صبح روز جمعه بود، هفتم آذرماه ۱۳۵۹. چند ماهی از شروع جنگ تحمیلی می‌گذشت. دریادلان نیروی دریایی توانسته بودند طی «عملیات مروارید» به دشمن ضربه محکمی وارد آورند و پایانه‌های «البکر» و «الامیه» را تسخیر کنند. ناوچه موشک‌انداز پیکان مسئولیت پشتیبانی از تیم عملیات را داشت و به تنهایی توانست تعدادی از ناوچه‌های دشمن را منهدم کند؛ آن هم در یک مصاف نابرابر. دشمن با تمام قوا در صدد بازپس‌گیری پایانه‌های نفتی بود. دلاورمردان این ناوچه، آخرین گلوله‌های خود را به سوی دشمن نشانه رفتند. دیگر به ظهر چیزی نمانده بود و ساعت‌ها از نبرد دلاورانه ناو پیکان می‌گذشت. ناو آماده بازگشت شد. یکی از ناوچه‌های عراقی که پنهان شده بود چند موشک به سوی ناو پیکان شلیک کرد... ناو موشک‌انداز پیکان همراه با ناخدا و کارکنان شجاع و فداکار خود زیر آب‌های گرم خلیج فارس جای گرفت. نتیجه این عملیات چنان اثری در روحیه افراد نیروی دریایی دشمن گذاشت که تا پایان جنگ حرکت چندان مهمی در دریا از آن‌ها مشاهده نشد.